

اربعین کانون جبهه مقاومت بین‌المللی



از غضب در مدینه تا قتل در کربلا

سازمان انرژی اتمی ایران دستور راه‌اندازی صدها سانتریفیوژ جدید و پیشرفته را صادر کرد

هشدار به موقع محمد اسلامی نسبت به بدعهدی آژانس در مختومه کردن موضوع PMD:

ایران می‌تواند بهب اتم بسازد اما در دستور کار نیست

تیترهای امروز

برخی نقاط کشور دیروز باز هم شاهد سیلاب سامانه موسسون بود

روز یازدهم سیل تابستانه

۱۱ روز گذشته ۲۴ استان درگیر سیل شده‌اند



تازدی سلبرتنی اینستاگرامی و فرآیند فریب خودخواسته فالوئر ها

مجازی‌زاده پوشالی!

رئیس قوه قضائیه تأکید کرد

نزوم تفکیک کالای قاچاق از متروکه

تصمیم‌گیری در قبال کالای قاچاق با تصمیم‌گیری درباره کالای متروکه متفاوت است

با گذشت چندین روز از صدور رأی دادگاه هنوز حمید نوری موفق به مطالعه متن حکم حبس ابد علیه خود نشده است

حقوق بشر

شعبه وحشی‌ها

نگاه

انگشت اتهام همراه جورج سوروس به سمت نومحافظه‌کاران دولت بایدن

جنگ اوکراین را آمریکا در دامن اروپا گذاشت!

برخی از بانفوذترین متفکران و شخصیت‌های غرب، بی‌پروایی آمریکا را مقصر اصلی جنگی ساختن اروپا دانستند، چرا که سران واشنگتن با بی‌پروایی در شکستن قول‌های دهه آخر قرن گذشته میلادی درباره عدم توسعه شرقی ناتو، ملاحظه فغدغه‌های امنیتی روسیه را نکردند. یکی از این چهره‌های مهم که معتقدند «جنگ اوکراین را آمریکا در دامن اروپا گذاشت» کسی نیست جز «جفری ساکس» اقتصاددان برجسته و عضو از خاندان‌های بانکدار یهودی حاکم بر ساختار مالی غرب.

جفری دی ساکس یک اقتصاددان معمولی نیست، بلکه این استاد دانشگاه کلمبیا، مهم‌ترین نظریه پرداز اقتصاد آزاد و لیبرالی در شبکه وسیع جورج سوروس معروف (طراح انقلاب‌های رنگین) و از مهندسان ساختارهای جدید اقتصادی در کشورهای سابق بلوک شرق از جمله لهستان و شوروی پسافروریاشی است.

ساکس همچنین یکی از نظریه‌پردازان زمینه‌سازی برای ایجاد دولت جهانی مطلوب صهیونیسم در زمینه‌های اقتصاد توسعه، بهداشت، آموزش و پرورش، محیط زیست و اقتصاد جهانی است. به همین دلیل او معتقد است نومحافظه‌کاران اشتراوسی که به واسطه بایدن به دولت دموکرات‌ها راه یافته‌اند، در جاهل‌هایی هژمونیک خود زیاده‌روی کرده و جنگی در اروپا به راه انداخته‌اند که موجب به خطر افتادن نظم آمریکایی شده است.

به عبارت دیگر عملیات روسیه در اوکراین، چنان تبعاتی برای آمریکا و هژمونی غربی داشته که حتی حاکمیت سایه‌صهیونیستی آمریکا را هم دچار شکاف کرده است. او اخیراً با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «اوکراین آخرین فاجعه دست پرورده نومحافظه‌کاران» در تارنمای شخصی خود که در بسیاری از رسانه‌های غربی نیز بازتاب داشته، دولت بایدن را متهم می‌کند با جنگ افروزی در علیه روسیه، عمده‌انداز جهت جنگ‌افروزی در اروپا تازش کرده است. او در این یادداشت می‌نویسد: «هر روز در ایتالیا، پس از سقوط دولت دراگی، می‌توانید ببینید که ما حتی نمی‌توانیم ثبات سیاسی ملی داشته باشیم. دولت‌های اروپایی یکی پس از دیگری سقوط می‌کنند. با بحران سیاسی کنونی، مطمئناً بایدن در ماه نوامبر یک یا هر ۲ مجلس را از دست خواهد داد. بوریس جانسون در نهایت تا حدی به دلیل عمیق شدن بحران اقتصادی در انگلیس اخراج شد و این روند همچنان ادامه خواهد داشت.»

ادامه در صفحه ۶



آمریکا-چین در اوج تنش

آمریکایی‌ها از قطعی بودن سفر پلوسی به تایوان خبر می‌دهند

چین موشک مافوق صوت قاتل ناو هواپیمابر را آزمایش کرد

شهید مشروطه مشروعه

حاضر در حرم فرمود: بارها این را گفته‌ام و باز به شما می‌گویم که من در موضوع مشروطیت و محدود بودن سلطنت هیچ حرفی ندارم و هیچ‌کس نمی‌تواند این موضوع را انکار کند، بلکه برای اصلاح امور مملکت و محدودیت سلطنت و تعیین حقوق و وظایف دولت قانون و دستورالعمل لازم است. اما می‌خواهم بدانم در مملکت اسلامی که دارای مجلس شورای ملی است، قوانین آن مجلس باید مطابق قوانین اسلام و قرآن باشد یا مخالف قرآن و کتاب آسمانی؟! وی در ادامه قسراً کوچک خود را از جیب بیرون آورد و قسم یاد کرد که من مخالف اساس مشروطیت و مجلس نیستم، بلکه اول کسی که طالب این اساس بود من بودم و فعلاً هم مخالفتی ندارم اما مشروطه به همان شرایطی که گفته‌ام که باید قانون اساسی و قوانین داخلی مملکت مطابق با شرع باشد. پس از این واقعه شیخ فضل الله مشغول درس و بحث علوم اسلامی شد و چون گذشته، مردم روزه‌خونی می‌نماید، خرج می‌دهند و مال خود نوشت: «شما مردم نان چرا این قدر اعتقاد به این اشخاص دارید که ۱۳۰۰ سال قبل به یزید بن معاویه باغی شد و قشون فرستاد، خود و همراهم را کشتند. حالا این مردم روزه‌خونی می‌نمایند، خرج می‌دهند و مال خود را بی‌جهت تفریط می‌کنند. یک جماعتی به خاک کربلا اعتقاد دارند، این خاک (تربت) چه مزیت و برتری‌ای بر خاک‌های دیگر دارد»

عالی» در بهارستان تشکیل دادند. این مجلس، محمدعلی شاه را از سلطنت خلع و احمدشاه را به پادشاهی برگزیدند و بقیه مناصب حکومت را بین خود تقسیم کردند. اکثر مشروطه‌خواهانی که حکومت را به دست گرفتند، از عوامل روسیه و انگلستان بودند و به این ترتیب «حکومت و مجلس دوم» هر دو به دست فئودال‌ها و خدمتگزاران امپریالیسم افتاد. حکومت روی کار آمده حتی با معیارهای غربی نیز یک حکومت مشروطه نبود. فاتحان تهران و حامیان مشروطیت یعنی سردار اسعد و سپهسالار هیچ یک اعتقادی به حکومت ملی نداشتند، زیرا «یکی از عناصر اصلی ایدئولوژی مشروطیت، برانداختن نظام شبه‌فئودالیسم ایرانی و نفی قدرت‌های محلی حکومت امثال سپهسالار و سردار اسعد بود.» مشروطه‌خواهان پس از برقراری حکومت، به تسویه حساب با مخالفان مشروطه پرداختند. طرفداران استبداد یعنی شاه و درباریان وحشتزده هر کدام به جایی پناه بردند اما حامیان مشروطه مشروعه به رهبری شیخ فضل‌الله چون کوه مقاوم و استوار بودند. پیشنهادهای مختلفی به شیخ فضل‌الله رسید تا به جایی پناهنده شود، سعدالدوله برای او پیام فرستاد که باز زیرمختار روس و انگلیس گفت‌وگو کردم و برای شما جای مناسبی در سفارتخانه تهیه کرده‌ام تا از خطر محفوظ باشید. یاران شیخ فضل‌الله خوشحال شدند اما شیخ بدون عکس‌العمل در مقابل این پیام «لا حول و لا قوة الا بالله» می‌گفت. پیشنهاد شد اجازه بنهید بفرموند که کسی نتواند این را از دیگری سلب کند اما ناگاه جماعه کافی بود تا این تبلیغات مؤثر واقع شود. پس از آن توطئه قتل شیخ فضل‌الله طرح‌ریزی شد و شیخ مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و مجروح شد.

مجلس داد. ذکر مذهب جعفری به عنوان مذهب رسمی کشور و اصل نظرات فقها بر قوانین شورای ملی، از حاکمیت این پیشنهادها بود که از هوشیاری و شم سیاسی او حکایت داشت. با این همه مجلس با نظرات وی مخالفت کرد و او به نشانه اعتراض مجلس را ترک کرد. از این زمان شیخ فضل‌الله مورد حملات ناچوانمردانه روشنفکران غرب‌گرا و ماسون‌ها و دیگر ناآگاهان قرار گرفت. یکی از نمایندگان در مذاکرات مجلس درباره شیخ فضل‌الله گفت: چون او ریاستی پیدا نکرد، راه مخالفت پیش گرفت تا از این راه به ریاست برسد. از آن پس مطرح شدن بحث آزادی مطبوعات دستاویزی برای حمله به مقدسات دینی و مذهبی شد. روزنامه «کوکب دژی» در شماره سیزدهم سال اول خود نوشت: «شما مردم نان چرا این قدر اعتقاد به این اشخاص دارید که ۱۳۰۰ سال قبل به یزید بن معاویه باغی شد و قشون فرستاد، خود و همراهم را کشتند. حالا این مردم روزه‌خونی می‌نمایند، خرج می‌دهند و مال خود را بی‌جهت تفریط می‌کنند. یک جماعتی به خاک کربلا اعتقاد دارند، این خاک (تربت) چه مزیت و برتری‌ای بر خاک‌های دیگر دارد»

شیخ فضل‌الله که شاهد توهین روزنامه‌ها به دین و ائمه معصومین علیهم‌السلام بود، دریافت هیچ تضمینی برای اصل نظرات فقها و تطبیق قوانین با شریعت اسلام وجود ندارد و اگر اکنون فکر اساسی برای این کار نشود، فردا بسیار دیر خواهد بود. وی با حکومت مشروطه مخالفتی نداشت، بحث او در کیفیت این نوع حکومت در جامعه اسلامی ایران بود. او معتقد بود قانون اساسی و دیگر قوانین حقوقی و جزایی باید مطابق قوانین اسلام باشد، زیرا مردم ایران مسلمان و پیرو این دین هستند و به همین دلیل پیشنهاد کرد عنوان حکومت، «مشروطه مشروعه» باشد. وی بارها گفت: «من الله با مشروطه مخالفت ندارم، با اشخاص بی‌دین و فرقه ضاله و مشله مخالفم که می‌خواهند به مذهب اسلام لطمه وارد بیاورند. روزنامه‌ها را که لابد خوانده‌اید که به انبیا و اولیا توهین می‌کنند.» اما با این همه، تبلیغات مشروطه‌طلبان چنان قوی و گمراه‌کننده بود که جو سیاسی و اجتماعی به طور کامل موافق مشروطه‌خواهان بود و همین موجب شد جمعی خواهان تبعید شیخ شوند و گروهی حمله به منزل او را طرح‌ریزی کنند. شیخ فضل‌الله نیز برای اینکه پیام خود را بهتر به مردم برساند با همراهان خویش به حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام هجرت کرد و در آنجا متحصن شد.

او در یکی از سخنرانی‌های خویش خطاب به مردم